

بسم الله الرحمن الرحيم

واکاوی آیات رفعت از دیدگاه آیت الله جوادی آملی در پاسخ به شبهه ی چگونگی غیبت

امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

*سهیلا نظری^۱

*مهدیه اسپروز^۲

چکیده

خدای متعال برای اثبات حقانیت اولیاء الهی، از طرق مختلف مسیر های هدایت را برای بندگان باز گذاشته است. معجزه ی مقام و مکانت رفع را مختص انبیاء و اولیاء الهی یا انسان کامل قرار داده و این مقام در گرو کسب اوصاف و طی مراحل است که ایشان را نسبت به سایر موجودات منحصر به فرد کرده به گونه ای که اراده ی آن ها عین اراده ی الهی است و می تواند در عوالم انسانی دخل و تصرف داشته باشد. اهمیت چگونگی رفعت انسان زمانی است که چگونگی غیبت معصوم (علیه السلام) نیز مصداقی از این رفعت بوده و اثبات آن می تواند پاسخی بر شبهه ی غیبت امام عصر (علیه السلام) باشد. کیفیت این موضوع رویکرد درون دینی در قالب بررسی منابع دینی و رویکرد برون دینی در قالب نظریه های زیست شناختی و حرکت در زمان و مکان است. البته به صورت مختصر و در حد طرح موضوع، بررسی درون دینی آن با روش توصیف، تبیین و تحلیل نظر برخی مفسرین آمده است و با هدف شناخت معنای رفع، مبانی و مصادیق آن انجام شده است. در نهایت مفسرین بر اساس روایات سه احتمال؛ مرگ طبیعی، عروج، غیبت ولی خدا را ذکر کرده و معتقدند خدای متعال قدرت بالابردن ولی خود را در حال حیات دارد.

کلیدواژه ها: رفع، رفعت، عروج، معراج، غیبت، انسان کامل

مقدمه

مسئله ی رفعت از مسائل کلامی است و بر اساس رویکرد درون دینی در برخی آیات قرآن کریم نسبت به بعضی انبیاء و اولیاء الهی قابل پذیرش است. اهمیت این موضوع در کیفیت آن است، که اثبات آن می تواند تا حدودی پاسخگوی موضوعات دیگری که به نوعی ارتباط معنایی با رفعت دارند باشد، اثبات رفعت در حال

^۱. کارشناسی ارشد فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه تهران، nazarisohila67@gmail.com

^۲. در حال تحصیل سطح چهار، مرکز تخصصی تفسیر تطبیقی، رکن الهدی کرمان. mahdism25@yahoo.com

حیات برای این انسان ها بیانگر مقام قربی و مرتبتی آنها است. با توجه به این که رفعت با غیبت اولیاء که هر دو در مخفی بودن از امت مشترک هستند، می تواند رابطه ی مصادقی نیز داشته باشد.

طرح موضوع همراهی حضرت عیسی (علیه السلام) با امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در روایات نیز سبب شد برای پاسخ گویی به شبهه چگونگی ارتباط کیفیت غیبت و انکار وجود امام زمان (علیه السلام)، ارتباط بین رفعت و غیبت مورد بررسی قرار گیرد. بنابراین موضوع رفعت در قرآن با هدف فهم معنای رفعت و انواع و مصادیق آن در قرآن کریم و روایات موجود در این زمینه در جهت پاسخ به این مسئله انجام شده است.

پیشینه ی این موضوع، با عناوین رفعت، معراج، غیبت، مقالاتی است، که به اختصار ذکر می شود. مقالاتی چون بررسی مشکلات و شیوه های تفسیری عروج حضرت عیسی (علیه السلام) در منابع اسلامی ما با تأکید بر ارتباط آن با پیشینه ی صلیب در منابع مسیحی و ادیان باستان از بشیر سلیمی ۱۳۹۵، عروج حضرت عیسی (علیه السلام)، دیدگاه ها چالش ها و رویکرد نو به مسأله از کاووس بدندق و علی صفری فصلنامه ی پژوهش های قرآنی در سال ۱۳۹۵، بررسی تطبیقی معراج پیامبر و عروج حضرت عیسی (علیه السلام) از آمنه رضایی مجله ی حدیث و اندیشه بهار و تابستان ۱۳۹۱، شماره ۱۳، معراج پیامبر از نظر علوم از مکارم شیرازی از مجله درس هایی از مکتب اسلام، اردیبهشت ۱۳۴۵، سال هفتم، ش ۷، بررسی تطبیقی آیه رفع عیسی (علیه السلام) در دیدگاه فریقین، عبدالهادی کمبار بغدادی، محمدرضا توکلی محمدی، مجله مطالعات تطبیقی قرآن و حدیث، پاییز و زمستان ۱۳۹۲، شماره ۱، رفع سیدنا عیسی الی السماء و نزوله آخرالزمان، محمد محمد الغزالی، مجله ی الفتح ۲۶ رجب ۱۳۴۶، شماره هشتاد، معراج پیامبر از دیدگاه عقل و وحی، محمدرضا ایزد پور، مجله ی فرهنگ کوثر، زمستان، ۱۳۸۵، شماره ۶۸، معراج پیامبر از نظر حدیث و دانشمندان اسلام، مکارم شیرازی، اسفند ۱۳۴۴، سال هفتم، شماره ۵.

و پاسخ به شبهات غیبت امام دوازدهم از جواد جعفری پژوهشکده حج و زیارت، گونه شناسی استدلال شیعه به احادیث مهدوی پاسخ به شبهات احمد کاتب مسئله ی غیبت امام مهدی (علیه السلام) در تداوم جریان سنت غیبت در انبیاء (علیهم السلام) محمد مهدی حائری پور، پژوهش های مهدوی، تابستان ۱۳۹۶، شماره ۲۱

در هر یک از این مقالات تنها به بررسی موضوعات معراج و رفعت و انواع غیبت به طور کلی پرداخته شده است و در مورد کیفیت غیبت و رفعت کمتر بحث شده است.

۱- مبانی رفع

در رویکرد درون دینی مقام رفع یک موضوع قرآنی بوده به همین دلیل دارای مبنای قرآنی است و این مبانی در قالب معنا، انواع و کیفیت آن قرار می گیرد. در ذیل موضوع رفع نیز به این مبانی پرداخته می شود.

۱-۱. معنای رفع

برای فهم دقیق معارف قرآن، ضروری است ابتدا مفهوم واژه های آن را با زبان قرآن بیان کرد تا در نتیجه گیری از معارف دچار مغلطه و سفسطه نشد. واژه «رفع» ۳۲ مورد در ۲۲ سوره قرآن ذکر شده است. رفعت مصدر آن بوده و در مورد درجات پیامبران به طور عام و در مورد حضرت ابراهیم، ادریس، لوط، یوسف و والدینشان، عیسی (علیهم السلام) و پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) به طور خاص، آورده شده است. همچنین در مورد درجات خدای متعال، مومنان و خلفای الهی و عمل صالح، جایگاه و تخت های بهشتی و صحیفه های مسطور به تذکار و قیامت از سوی دیگر اشاره شده است علاوه بر آن، بر برافراشته شدن کوه طور، بالابردن ستون های بیت الله الحرام، رفعت آسمان، صدا، روزی و خانه های خاص، سخن رانده شده است.

«رفع» در لغت به معنای سمو، بلندی (ابن فارس، ۱۴۰۴، جلد ۴، ص ۳۰۳-۳۰۴) و بالابردن است. (قرشی، ۱۳۷۱، جلد ۴، ص ۱۱۰) معناشناسی این واژه در قرآن کریم جانشین هایی از قبیل: «صعد»، «رفع»، «عرج» «اسرا» را نشان می دهد. و هر یک بر اساس همنشین هایی که در آیات دارند معنای رفتن در بلندی، رفتن در مکان عالی (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، جلد ۱، ص ۴۸۳-۵۵۷) بالا رفتن به مکانی بالا و مشرف (فراهیدی، ۱۴۱۰، جلد ۱، ص ۲۸۹) و بر اساس آیه «إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ» (فاطر: ۱۰) صعود در دعا نامیده شده است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، جلد ۱، ص ۵۵۷) در برخی آیات نظیر: «فِي بُيُوتٍ أُذِنَ لِلَّهِ أَنْ تُرْفَعَ» (النور، ۳۶) و آیه «وَرَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ» (الشرح، ۴) نیز رفع به معنای بلند آوازی است. (قرشی، ۱۳۷۱، جلد ۱۱۰)

علاوه بر این در منابع دیگر رفع به معانی برداشتن اجسام، برپا داشتن، بنا کردن، بالا بردن چه به صورت ظاهری و چه معنوی، ساطع شدن، به سرعت دویدن، رفعت جمال در زنان، مقرب شدن و تقریب شی و پراکنده

شدن چیزی که پوشیده می باشد، آمده است. (فیروز آبادی، ۱۴۱۵، جلد ۲، ص ۳۹، ابن فارس، ۱۴۰۴، جلد ۳، ص ۴۲۳، طریحی، ۱۴۱۶، جلد ۴، ص ۳۳۷، خسروی حسینی، ۱۳۷۵، جلد ۲، ص ۹۳، فراهیدی، ۱۴۱۰، جلد ۲، ص ۱۲۵)

از نظر صاحب کتاب تسنیم برخی واژه صوم را به معنای رفعت بیان کرده اند زیرا درجه روزه از رتبه ی عبادت های دیگر برتر است. (جوادی آملی، ۱۳۹۸، ت، جلد ۹ ص ۲۶۰) و بعضی نبوت از مصدر «نبو» را به معنای رفعت آورده اند، چون نبی از جهت روحانی و معنوی رفعت مقام مخصوصی پیدا کرده بر دیگران برتری یافته است. گرچه در خصوصیات انسانی مانند سایر مردم باشد. (جوادی آملی، ۱۳۹۲، ش، ص ۲۰۴)

ایشان کلمه علو در مقابل سفلی را نیز به معنای رفعت و برتری بیان کرده است و تفاوت این واژه با واژه های هم معنای آن یعنی رفع، رقی و سمو این است که در واژه علو، به خود شیء مورد نظر که از رفعت و برتری برخوردار است توجه می شود و این که از قبل چنین حالتی نداشته، مورد توجه قرار نمی گیرد افزون بر این که غالباً با قهر و اقتدار همراه است در حالی که در واژه «رفع» حالت سابق آن یعنی خفض و پستی و حرکت از آن مرحله و رسیدن به مقام بالا مورد توجه قرار می گیرد. در واژه «رقی» حرکت تدریجی و تکاملی آن مورد توجه است. و در «سمو» احاطه آن بر چیز دیگر، مورد توجه قرار می گیرد. از این جهت هر چیزی، آسمان چیزهایی است که در زیرش قرار دارد. (جوادی، ۱۳۹۵، الف، جلد ۲ ص ۲۹)

علو و برتری گاهی مادی و ظاهری است. «فَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا جَعَلْنَا عَالِيَهَا سَافِلَهَا» (هود: ۸۲) و گاهی معنوی و غیر مادی است، مانند: «وَجَعَلَ كَلِمَةَ الَّذِينَ كَفَرُوا السُّفْلَى وَكَلِمَةَ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا» (التوبة: ۴۰) (جوادی، ۱۳۹۵، الف، جلد ۲، ص ۲۹). با توجه به این که معنای اصطلاحی برای آن از دیدگاه صاحب تسنیم ذکر نشده است، رفعت در این مقاله بر اساس نظر ایشان یعنی برتری و رسیدن به مقام بالا که حالت سابق آن با پستی و حرکت تدریجی از آن مرحله همراه است مورد توجه قرار می گیرد.

۲-۱. انواع رفع

رفعت را می توان به دو نوع، ظاهری (صوری) و معنوی تقسیم کرد. (طباطبایی، ۱۴۱۷، جلد ۳، ص ۲۰۸ و قرشی، ۱۳۷۱، جلد ۳، ص ۱۱۰) رفعت ظاهری به معنی بالا بردن ظاهری مانند: «وَرَفَعَ أَبَوَيْهِ عَلَى الْعَرْشِ وَخَرُّوا لَهُ سُجَّدًا» (الیوسف: ۱۰۰) و آیاتی چون: بقره/۱۲۷-۹۳، رعد/۲ به آن دلالت دارد و رفعت معنوی همان فضیلت و شرافت و

عظمت و منزلت (الزخرف: ۳۲، الیوسف: ۷۶، غافر: ۱۵، النساء: ۱۵۸) است. نظیر: «وَرَفَعَ بَعْضَهُمْ دَرَجَاتٍ» (البقره: ۲۵۳) «وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ» (الزخرف: ۳۲) عروج امر، در آیه «يُدْبِرُ الْأُمْرَ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ ثُمَّ يَعْرُجُ إِلَيْهِ» (السجده: ۵) و عروج ذکر نیز معنوی است.

در آیاتی نظیر «وَالِإِلَى السَّمَاءِ كَيْفَ رُفِعَتْ» اشاره به دو معنای مکان بالا و فضیلت و شرافت و منزلت دارد. نیز در آیه «مَنْ اللَّهُ ذِي الْمَعَارِجِ * تَعْرُجُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ» (المعارج: ۳-۵) خدا ذی المعارج و صاحب معارجها نامیده شده است. جوادی آملی نیز رفعت را به مکانی و مکانت و مرتبت یا معنوی و در برخی آیات رفعت تکوینی یاد کرده است. در آیات: «بَلْ رَفَعَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا» (النساء: ۱۵۸) رفعت مکانت و مرتبت و در آیه «فِي بُيُوتٍ أُذِنَ لِلَّهِ أَنْ تُرْفَعَ» (النور: ۳۶) «اذن» را رفعت تکوینی دانسته است.

۳-۱. کیفیت رفع

در رابطه با چگونگی و کیفیت رفع اختلافاتی بین مفسرین وجود دارد. برخی نظیر فخر رازی در مورد چگونگی آن وجوهی ذکر کرده اند. از جمله: رفع مربوط به کسی است که به مقام معرفت الهی برسد، صعود و بالارفتن روح و جسم با هم، خارج شدن از زمین و صعود به آسمان است. چرا که رفعت گاهی به مکانی صورت می گیرد که غیر خدا در آن حکومت نکند و تنها در آسمان به طور ظاهر و حقیقت این حالت وجود دارد. یعنی رفتن به سوی محل ثواب و مجازات. (فخر رازی، ۱۴۲۰، جلد ۸، ص ۲۳۹)

صاحب تفسیر تسنیم معتقد است اگر رفع، مکانی باشد به معنای هجرت، یعنی از جایی به جای دیگر رفتن است. (جوادی آملی، ۱۳۹۸، ت، جلد ۲۱، ۳۲۰) و اگر رفع معنوی باشد، یا تنها رفع به شکل «عام» است که به مؤمنان و عالمان وعده داده شده نظیر آیه: «يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ» (المجادله: ۱۱) که فقط رفعت درجه به سوی خدا است. یا به شکل «خاص» که به بعضی از اولیای الهی تعلق می گیرد. (جوادی آملی، ۱۳۹۴، س، جلد ۷ ص ۳۵۴) مانند رفعت حضرت ادریس (علیه السلام) (طباطبایی، ۱۴۱۷، جلد ۵، ص ۲۰۸) که از همه درجات بالاتر بوده و به قرب الهی رسیده که نشانه قرب کامل است و از ویژگی های حضرت عیسی (علیه السلام) نیز هست. (جوادی آملی، ۱۳۹۴، س، جلد ۷ ص ۳۵۴)

در روایتی دیگر می فرماید: «سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول: «يفقد الناس إمامهم، يشهد الموسم، فيراهم و لا يرونه» مردم امام خود را نیابند، امام در موسم حج حاضر شود و مردم را ببینند ولی آنها او را نبینند. (کلینی، بی تا، جلد ۲، ص ۱۳۶)

همچنین ابان بن تغلب از امام صادق (علیه السلام) روایت کرده که حضرت فرمود:

«يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ يُصِيبُهُمْ فِيهَا سَبْطَةٌ يَأْرِزُ الْعِلْمُ فِيهَا كَمَا تَأْرِزُ الْحَيَّةُ فِي جُحْرِهَا فَيَنِمَا كَذَلِكَ إِذْ طَلَعَ عَلَيْهِمْ نَجْمٌ قُلْتُ فَمَا السَّبْطَةُ قَالَ الْفَتْرَةُ قُلْتُ فَكَيْفَ نَصْنَعُ فِيمَا بَيْنَ ذَلِكَ فَقَالَ كُونُوا عَلَى مَا أَنتُمْ عَلَيْهِ حَتَّى يُطْلَعَ اللَّهُ لَكُمْ نَجْمَكُمْ» ای ابان جهان دچار سبطه خواهد شد. علم بین مسجدین منزوی می شود، همچنان که مار در سوراخ خویش (چنبر) می شود، عرض کردم: سبطه چیست؟ فرمود چیزی کمتر از فترت، و در چنین وضعی که مردم قرار گرفته اند ناگاه ستاره ایشان بر دمد، عرض کردم: فدایت شوم پس ما چه کنیم و در آن فاصله چه می شود؟ و آن حضرت به من فرمود: بر همان چیزی که هستید باقی باشید تا خداوند صاحب آن را برساند. (نعمانی، ۱۳۷۶، ص ۲۲۶)

این روایات که به صورت متواتر آمده، گواه درستی غیبت و مخفی شدن دانش است و منظور از دانش همان حجّت خدا است همچنین در بردارنده دستور امامان (علیهم السلام) به شیعه است که در آن مدّت بر آنچه عقیده دارند باقی باشند و ثابت قدم بمانند و منتظر وعده ی الهی باشند، چرا که آن ها در ندیدن امام زمانشان در مدت غیبت معذورند، حتی نمی توانند خواستار اسم او یا محل غیبتش باشند چه برسد به این که او را با چشم ببینند. (نعمانی، ۱۳۷۶، ص ۲۲۷)

بنابراین مجموع روایات بیانگر این است که، چون انسان کامل دارای جمیع مراتب الهیه و طبیعیه است. (صدر الدین شیرازی، ۱۳۶۳، ص ۱۶۴) می تواند در عوالم مختلف بنا به مقتضیات متفاوت حضور داشته باشد البته همراه با جسم، همانطور که در معراج پیامبر اکرم این امر صورت گرفته است. (رفیعی قزوینی، ۱۳۶۸، ص ۳۷) چه قابل رؤیت یا شناخت باشد یا نباشد. بنابراین اگر غیبت یکی از مصادیق رفعت دانسته شود، می تواند همانند معراج پیامبر باشد.

نتیجه

طرح مسئله کیفیت رفعت و غیبت با دو رویکرد درون دینی و برون دینی قابل بررسی است. رویکرد برون دینی که احتمالاً در قالب نظریه های زیست شناختی و حرکت در زمان قابل بررسی باشد و در رویکرد درون دینی رفعت در قرآن، رفعت به دو قسم ظاهری و معنوی تقسیم می شود. مصادیق رفع ظاهری؛ صدا، کلام، بناها، آسمان و... و مصادیق رفع معنوی که از آن رفع مکان و مرتبت نیز تعبیر شده شامل؛ مساجد، ملائکه، انسان کامل از جمله ائمه (علیهم السلام) است. مصداق اتم این رفع، رفعت انسان کامل به صورت عروج یا غیبت است که به قدرت الهی انجام می شود. علت آن ویژگی هایی است که باعث مطهر بودن روح او و تعلق اراده ی همه ی زندگی اش به خدای متعال است. به این ترتیب که اراده ی الهی در او تجلی پیدا کرده هر امر غیر ممکن برای او ممکن شده ولی برای عموم مردم خارق العاده است. هر چند از نظر عقلی این رفعت قابل اثبات است ولی برای استناد به روایات در این زمینه لازم است به روایات معتبر و علم آور تمسک کرد و این نوشتار به طور مختصر به آن پرداخته نیازمند تتبع کافی در منابع متقدم و متأخر روایی و تفسیری است که فرصتی دیگر می طلبد. اما مفسرینی چون جوادی آملی و طباطبایی بر خلاف ظاهر آیات رفعت عیسی و معراج پیامبر را در حال حیات دانسته اند و بنا بر نظر برخی مفسرین رفعت می تواند در سه احتمال؛ عروج، غیبت که هر دو در حال زنده بودن است و مرگ مصداق پیدا کند. به این ترتیب ارتباط رفعت و غیبت و زندگی با شرایط مادی در حالی که از دیده ی دیگران مخفی هستند از ویژگی های این مقامات است، طوری که اراده او عین اراده ی الهی می شود و می تواند در عوالم مختلف بنا به مقتضیات متفاوت حضور داشته باشد و در عین حال به قدرت الهی می تواند برگشت به سوی جامعه داشته و انجام وظایف رسالتی خود را نیز به دست بگیرد.

فهرست منابع

*قرآن کریم

الف) منابع فارسی

۱. ابراهیمی، ابوالقاسم خان، (۱۳۶۷هـ-ش)، تنزیه الاولیاء، کرمان، چاپ اول، چاپخانه سعادت.
۲. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۸هـ-ش) امام مهدی (علیه السلام) موجود موعود، تحقیق سید محمد حسن مخبر، قم، چاپ سوم، مرکز نشر اسراء.
۳. -----، (۱۳۹۸هـ-ش) تفسیر انسان به انسان، تحقیق محمد حسین الهی زاده، قم، چاپ نهم، اسراء.
۴. -----، (۱۳۸۶هـ-ش) تفسیر تسنیم، جلد ۱، تحقیق علی اسلامی، قم، چاپ ششم، نشر اسراء.
۵. -----، (۱۳۹۷هـ-ش) -----، جلد ۲، تحقیق علی اسلامی، قم، چاپ یازدهم، نشر اسراء.
۶. -----، (۱۳۹۸هـ-ش) -----، جلد ۳، تحقیق احمد قاسمی، قم، چاپ هشتم، نشر اسراء.
۷. -----، (۱۳۹۷هـ-ش) -----، جلد ۴، تحقیق احمد قاسمی، قم، چاپ نهم، نشر اسراء.
۸. -----، (۱۳۹۷هـ-ش) -----، جلد ۷، تحقیق حسن واعظی محمدی، قم، چاپ هفتم، نشر اسراء.
۹. -----، (۱۳۹۸هـ-ش) -----، جلد ۹، تحقیق حسن واعظی محمدی و حسین اشرفی، قم، چاپ ششم، نشر اسراء.
۱۰. -----، (۱۳۹۸هـ-ش) -----، جلد ۲۱، تحقیق مجید حیدری فر و روح الله رزقی، قم، چاپ پنجم، نشر اسراء.
۱۱. -----، (۱۳۹۸هـ-ش) -----، جلد ۴۸، تحقیق روح الله رزقی، قم، چاپ اول، نشر اسراء.
۱۲. -----، (۱۳۹۵هـ-ش) ادب فنای مقربان، جلد ۲، تحقیق محمد صفایی، قم، چاپ هشتم، نشر اسراء.
۱۳. -----، (۱۳۹۴هـ-ش) سیره ی پیامبران، تحقیق علی اسلامی، قم، چاپ هشتم، نشر اسراء.
۱۴. -----، (۱۳۹۴هـ-ش) سیره رسول اکرم (صلی الله علیه و آله)، تحقیق حسن واعظی محمدی، قم، چاپ دهم، اسراء.

۱۵. -----، (۱۳۹۲هـ-ش) شمیم ولایت، نویسنده محمود صادقی، قم، چاپ هفتم، اسراء.
۱۶. حسن زاده آملی، حسن، (۱۳۸۳هـ-ش) انسان کامل از دیدگاه نهج البلاغه، قم، بی جا.
۱۷. خسروی حسینی سید غلامرضا، (۱۳۷۵هـ-ش) ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن، تهران، چاپ دوم، انتشارات مرتضوی.
۱۸. کلینی محمد بن یعقوب، (بی تا-ش) اصول الکافی، ترجمه سید جواد مصطفوی، کتابفروشی علمیه اسلامیة.
۱۹. نعمانی، محمد بن ابراهیم ابن ابی زینب، (۱۳۷۶هـ-ش) اللغیة، ترجمه غفاری، تهران، چاپ دوم، نشر صدوق.

(ب) منابع عربی

۲۰. صدر الدین شیرازی، (۱۳۶۳هـ-ش)، مفاتیح الغیب، ترجمه محمد خواجوی مولی، بی جا.
۲۱. قرشی سید علی اکبر، (۱۳۷۱هـ-ش) قاموس قرآن، چاپ ششم، تهران، دار الکتب الإسلامية.
۲۲. یغمایی، حبیب، (۱۳۵۶هـ-ش)، ترجمه تفسیر طبری، تهران، چاپ دوم، انتشارات توس.
۲۳. ابن طاووس، (بی تا) علی بن موسی، الطرایف، ترجمه الهانی داود، قم نوید اسلام.
۲۴. احمد بن فارس بن زکریا، ابو الحسین، (۱۴۰۴هـ-ق)، معجم مقائیس اللغة، چاپ اول، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۲۵. اصفهانی، حسین بن محمد راغب، (۱۴۱۲هـ-ق) مفردات ألفاظ القرآن، لبنان - سوریه، چاپ اول، دار العلم - الدار الشامیة.
۲۶. الاحسائی، الشیخ احمد بن زین الدین، (بی تا)، جوامع الکلام، بی جا.
۲۷. جزائری، (۱۴۰۴هـ-ق) النور المبین فی قصص الأنبیاء و المرسلین، قم، چاپ اول، آیت الله مرعشی.
۲۸. رازی، ابو عبدالله محمد بن عمر، (۱۴۲۰هـ-ق) مفاتیح الغیب، بیروت، چاپ سوم، دار احیاء التراث العربی.
۲۹. شاه عبد العظیمی، حسین، (۱۳۶۳هـ-ش) تفسیر اثنا عشری، تهران، انتشارات میقات.

۳۰. صدوق، محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی، (۱۳۷۸هـ-ق) عیون أخبار الرضا علیه السلام، تهران، چاپ اول، نشر جهان.
۳۱. صدوق، محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی، (۱۳۹۵ هـ-ق) کمال الدین و تمام النعمه، تهران، چاپ دوم ناشر اسلامیه.
۳۲. صدوق، محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی، (۱۴۰۴هـ-ق) من لا یحضره الفقیه، قم، چاپ دوم، ناشر جامعه مدرسین.
۳۳. طباطبائی سید محمد حسین، (۱۴۱۷هـ-ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، چاپ پنجم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم.
۳۴. طریحی، فخر الدین، (۱۴۱۶هـ-ق) مجمع البحرین، چاپ سوم، تهران، کتابفروشی مرتضوی.
۳۵. فیروز آبادی، محمد بن یعقوب، (۱۴۱۵هـ-ق) قاموس المحيط، بیروت، انتشارات دارالکتب الاسلامیه.
۳۶. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۶۲ هـ-ش) الکافی، تهران، چاپ دوم، انتشارات اسلامیه.
۳۷. لاهیجی، محمد، (۱۳۷۴هـ-ش) مفاتیح الاعجاز فی شرح گلشن راز، مقدمه کیوان سمیعی، چاپ ششم، بی جا، چاپخانه احمدی و انتشارات سعدی.
۳۸. میبدی، احمد بن ابی سعد، (۱۳۷۱ هـ-ش) کشف الأسرار و عدة الأبرار، تحقیق؛ علی اصغر حکمت، تهران، چاپ پنجم، ناشر انتشارات امیر کبیر.

مقالات

۳۹. رفیعی قزوینی، سید ابوالحسن، محمد رضا بندر چی، "رجعت و معراج بضمیمه ۷ مقاله دیگر"، طه با همکاری نشر میراث فرهنگی، ۱۳۶۸.
۴۰. علوی تهرانی، سید محمد باقر، "مباحث مهدویت" خبرگزاری مهر سلسله، ش ۱۲۹.